

نامه‌ها، اسناد و عکسهای تاریخی

- پنج نامه از قوام السلطنه / محمد گلبن
- خاطره دیدار با دکتر محمد مصدق / گیتی دیهیم
- خاطره‌ای از علی محمد خادم میثاق / مهندس عبدالحمید اشراق
- دو خاطره از گذشته‌ها / علی آگاه

پنج نامه از احمد قوام (قوام السلطنه)

احمد قوام (قوام السلطنه) از رجال نام آور ایران است. او از دوران ناصرالدین شاه قاجار تا اواسط سلطنت محمدرضا شاه پهلوی همیشه دارای مشاغل مهم بود. احمد قوام در سال ۱۲۹۰ هجری قمری تولد یافت و از نوجوانی با سمت پیشخدمت جزو عمله خلوت ناصرالدین شاه شد. مهدی بامداد می نویسد «وقتی میرزا علی خان امین الدوله به حکومت آذربایجان منصوب گردید میرزا احمد خان خواهرزاده خود را نیز به همراه خویش به آن سامان بُرد و ریاست دفتر خود را به او داد. و در موقع صدارت امین الدوله در اوایل سال ۱۳۱۵ ق به منشی حضوری صدراعظم معرفی شد».

سبب بیشتر ترقی قوام خط زیبایی بود که داشت سجع مهرهائی که از او دیده‌ام. ۱ - دبیر حضور ۲ - وزیر حضور ۳ - منشی حضور ۴ - اسمهای احمد. و نیز القابی که به آن‌ها شهرت داشت ۱ قوام السلطنه ۲ - حضرت اشرف ۳ - جناب اشرف، بود. ۱ قوام السلطنه بارها به نخست وزیری و وزارت رسید. آخرین مرتبه که بیاد دارم در سال ۱۳۳۰ یا ۱۳۳۱ ش دکتر محمد مصدق از نخست وزیری استعفاء داد و حضرت اشرف آقای قوام به نخست وزیری رسید. اما بیشتر شهرهای کشور و نیز تهران بر آشوبید و یک صدا فریاد میزدند «یا مرگ یا مصدق» قوام السلطنه

۱ - یک مرقع نادعلیاً مظهر العجایب به خط قوام دید که امضا آن احمد بن معتمد السلطنه بود.

سعی کرد با خواست مردم مقابله کند از رادیو تهران علامیه بسیار تندى داد، در آغاز آن اعلامیه آورده بود که: «پشتیبان را سیاستى دگر آمد. «مردم نخست‌وزیرى او را» به جای مصدق قبول نکردند. و انواع اقسام بی‌حرمتى به او روا داشتند.

مردى را دیدم در خیابان بوذرجمهرى آن روز بین سقاخانه و مسجد سلطانى، زنجیر سگى را در دست داشت و مقولائى بگردن آن سگ آویخته بود و روى آن مقوا نوشته بود حضرت اشرف آقای قوام‌السلطنه نخست‌وزیر محبوب جدید را معرفی می‌کنم. قوام در تهران و برخی از شهرستانها عده‌ای را به خاک خون کشید اما مردم دست از طرفدارى دکتر مصدق برنداشتند و او مجبور شد بعد از چهار روز از نخست‌وزیرى استعفاء بدهد و باز دکتر محمد مصدق به نخست‌وزیرى برسد از سالهای ۳۰ - ۳۱ هر جا آمد و شد داشت غالباً «حسن ارسنجانى با او همراه بود این بود شمه‌ای از احوالات احمد قوام قوام‌السلطنه، قوام در سن ۸۲ سالگى در ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۴ شمسى درگذشت.

از آثار قلمى قوام‌السلطنه آنچه را تا به حال دیده‌ام - ۱ - مناجات نامه حضرت امیر به خط زیبای او که زنده یاد حبیب یغمائى آن را منتشر کرد و تا به حال چندین مرتبه تجدید چاپ شده است. ۲ - گزیده‌ای از «بوستان سعدى» نیز به خط زیبای او که در سال ۱۳۷۹ ش از طرف موقوفات دکتر محمود افشار با مقدمه استاد ایرج افشار انتشار یافت. احمد قوام گاهی نیز شعر می‌سرود. اگر مجموعه نامه‌های او گردآوری و چاپ شود یادگار ارزنده‌ای از او به جای خواهد ماند. دریغ که قوام در نوشتار امساک می‌ورزید و اغلب نامه‌های او از چند سطر تجاوز نمی‌کند. نگارنده در اواسط سال ۱۳۸۲ ش چند دفتر بزرگ و خیلی خیلی مهم را به خط احمد قوام قوام‌السلطنه دید. همراه آن مجموعه یک دفتر کوچک جیبی بود که قوام برخی از مسائل روزانه خود و نکات مهمی را در آن دفتر کوچک ثبت می‌کرده است اما مجموعه آن دفاتر و اسناد مطالبی بود که قوام در رابطه با نجات آذربایجان نوشته بود و همه آن چند آلبوم یا دفتر به خط خود او بود. فروشنده از نظر قیمت از من نظر می‌خواست و خریدار تأییدیه که آیا این خط قوام‌السلطنه هست یا نه؟ و مسلم خط قوام، من نگران و مُصر که خریدار به هر قیمت که شده آن مجموعه را خریداری کند. من نظر خود را دادم و رفتم. امیدوارم خریدار نظر فروشنده را تأمین کرده باشد و امروز این مجموعه ارزنده در موزه‌ها یا کتابخانه‌های خارج نباشد.

اما پنج نامه‌ای که بدنبال می‌آید دو تایی آن را قوام به صدرالممالک نوشته و یکی را به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و یکی را به میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله و یکی را نیز به سیدمحمد طباطبائی سنگلجی از این پنج نامه تنها یک نامه‌اش تاریخ تحریر دارد و چهار نامه دیگر فاقد تاریخ است.



● قوام السلطنه

نامه یک را هنگامی احمد قوام به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نوشته که مظفرالدین شاه سخت بیمار بوده و پس از امضاء فرمان مشروط و همه جا تعطیل و علما و تجار در تحسن سفارت انگلیس و قوام سمت دبیر حضوری او را داشته است. مشروطه خواهان و رجال و اطرافیان شاه نگران بوده‌اند که هر چه زودتر نظامنامه مجلس شورای ملی را شاه امضا کند. از مفادنامه پیداست که میرزا نصرالله خان از احمد قوام خواسته که هر طور شده شاه نظامنامه مجلس را امضا کند. متن نامه که در ماه رجب ۱۳۲۴ هجری قمری تحریر شده به قرار زیر است «شهر رجب ۱۳۲۴ فدایت شوم فرمان مبارک را بهر طور بود از شرف صح و امضای ملوکانه ارواحنا فراگذرانید. خدمت جناب مستطاب اجل عالی دام اقباله ایفاد داشت در انجام فرمایشات مطاعه با کمال امتنان خاطریم

زیاده عرضی نمی‌کند. ایام بکام باد.

امضاء

نامه دوم که فاقد تاریخ است از روند تاریخ انقلاب مشروطه پیداست که روز ۱۶ یا ۱۷ ماه رجب ۱۳۲۴ ه. ق احمد قوام دبیر حضور یا منشی حضور به حجت الاسلام سیدمحمد

طباطبائی سنگلجی نوشته و امضا شدن نظامنامه مجلس شورای ملی را نوید داده است.^۱ مواد نامه به قرار زیر است:

«جناب مستطاب حجت الاسلام آقای آقا سید محمد طباطبائی سنگلجی دامت برکاته خاطر مبارک را مستحضر می سازد امروز دکتر خلیل خان اعلم الدوله با لطایف الحیل توانست نظامنامه مجلس ملی را به صحت مبارک اعلیحضرت همایون شهریاری رسانیده و نقشه معاندین و بدخواهان را نقش بر آب نماید. هر گاه کوشش این مرد محترم نبود دکتر رامش اجازه ملاقات نمی داد. این دفعه هم وقت از دست می رفت و کار به بن بست می کشید. کسالت اعلیحضرت هم بقدری شدید است که اصرار جایز نبود. خداوند تبارک و تعالی به ایشان شفا بدهد. شاه رعیت پرور رئوفی هستند. زحمات ارادتمند را جنابان آقایان صنیع الدوله و محتشم السلطنه، و مشیرالملک (میرزا حسن خان پیرنیا) و اعلم الدوله ملاحظه فرموده اند زمینه ها را کاملاً مساعد و همراه کرده بودم. جریاناتی هم بوده است که باید حضوراً عرض کنم. چون مجال درک فیض حضور مبارک را نداشتیم. مراتب را بدین وسیله معروض و خواستم اولین کسی باشم که مؤده اختتام کار را

به حضرت عالی داده باشم. گرچه به عقیده مخلص هنوز کار خاتمه نیافته است ولی قدمی به جلو رفته ایم.

چنانچه دسترسی دارید جناب آقای سیدعبدالله مجتهد را از موضوع مطلع فرمائید و نیز وسیله یکی از دوستان مشترک که ماشاءالله خیلی حورارت دارند به ایشان پیغام میدهم.

در خاتمه مراتب ارادت قلبی خود را تقدیم و از خداوند متعال توفیق خدمت را مسئلت دارم.

احمد قوام (امضاء)^۲

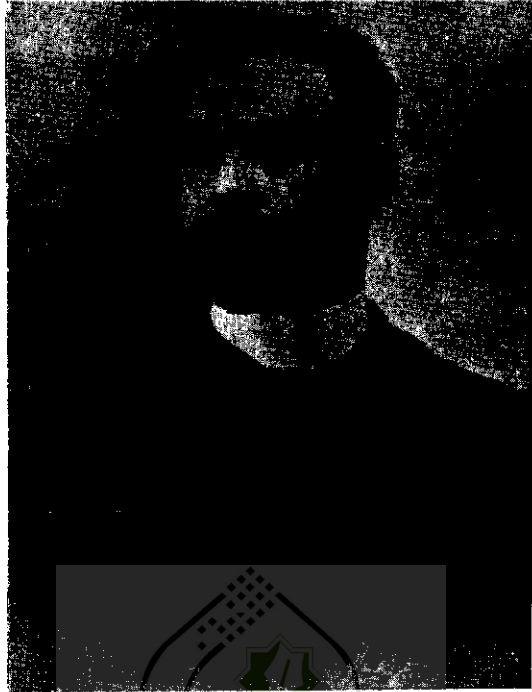
این روشن است که «فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ مطابق با ۱۴ مرداد ۱۲۸۷ خورشیدی و برابر ۵ - اوت ۱۹۰۶ میلادی امضاء و اعطاء شده است و به خط خوش

۱- ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ص ۳۶۰ آورده است که «مشیر دیوان (در ۱۷ رجب ۱۳۲۴ هـ) خدمت حضرت آقای طباطبائی عرض کرد نظامنامه هم به امضاء و صحت اعلیحضرت موشح شده است.»

۲- یادداشت های، سیدمحمد طباطبائی از انقلاب مشروطه به کوشش حسن طباطبائی ص ۲۸

مد است شرم
 لطاف و کارم بجان حصن مظهر علی بناره اننده
 خجرت شرمنده کرده است و با مع زبان فر تو ام لدر عهد و شکر برام
 نعمت تو عذر خجتها را خدا که خجتها را برت خجست سلطان
 عمار الدوله زید اجله نرسیده را بر افرازه فرنگه و ایشاق بیان ذکر کرده در عهد
 اثر علی بطین لسان بودیم بر حب غرض خند و در این سعاد کس
 بگارت اسد کوله و جارتو تقدیم داد اید است مطبع طیار کشته
 در حقارت آن غرض من و پند خدمت خجست سلطان
 عرض ارادت میکنم زباده مسخر و تقدیر زرد آتام کت و ایشاق

● نامه قوام السلطنه به میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله، وزیر امور خارجه در عهد محمد علی شاه قاجار



● میرزا حسن خان مشیرالدوله

میرزا احمدخان دبیر حضور می باشد» اما نامه دبیر حضور به میرزا نصراله خان مشیرالدوله در ماه رجب ۱۳۲۴ بعد از امضاء فرمان مشروطیت نوشته شده و ظاهراً مربوط به امضاء نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی است که از تاریخ ۱۸ رجب تا ۲۲ رجب ۱۳۲۴ در جریان بود و مظفرالدین شاه در بالای آن خطاب به میرزانصراله خان مشیرالدوله صدراعظم نوشته است.

«جناب اشرف صدراعظم این نظامنامه صحیح است ۲۰ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴» امضاء مظفرالدین شاه و پس از امضاء شدن، دبیر حضور یا منشی حضور احمد قوام آن را با نامه مذکور برای صدراعظم میرزا نصرالله خان فرستاده است.

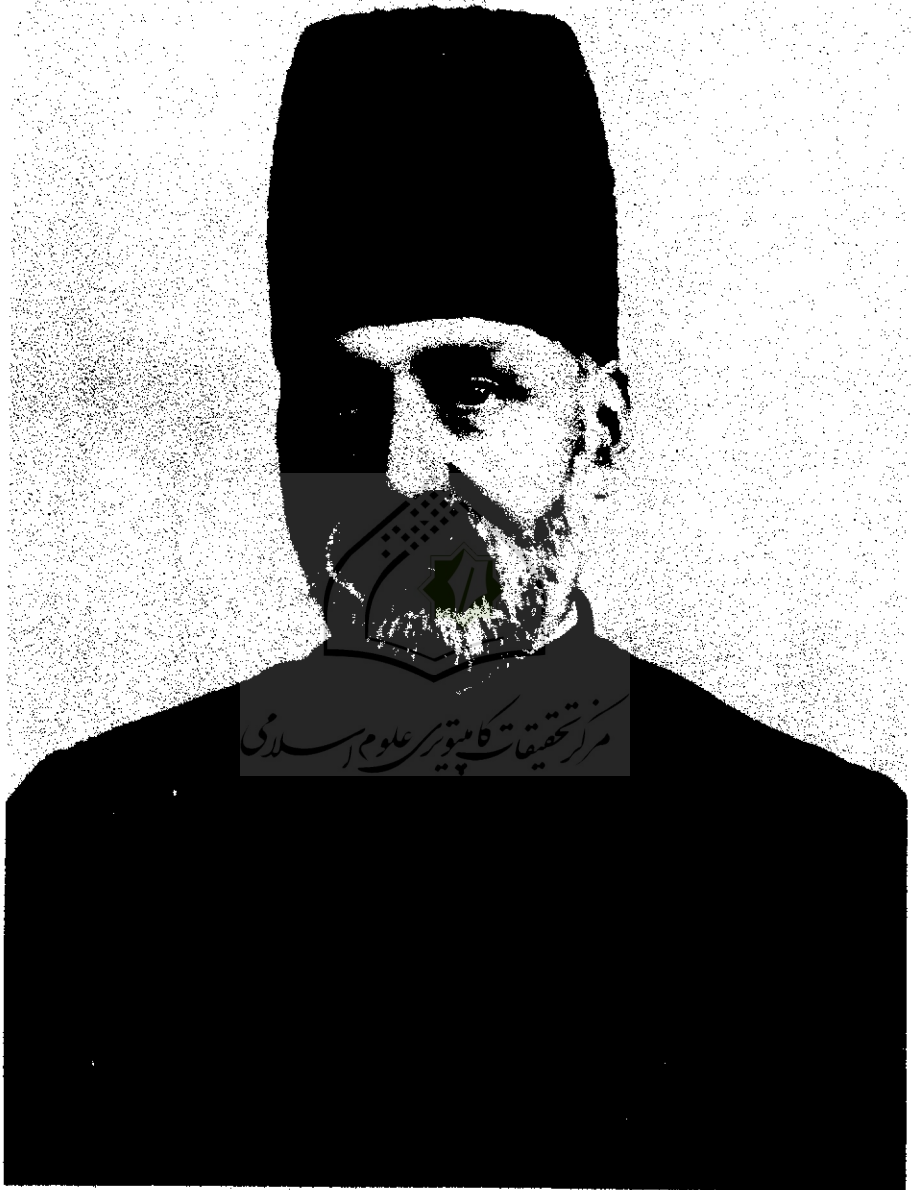
نامه سوم را قوام السلطنه به میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله نوشته است هنگامی که مشیرالدوله وزارت دادگستری را دارد. اما معلوم نیست در چه تاریخی زیرا مشیرالدوله چند نوبت به وزارت دادگستری رسید. میرزا حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله) و میرزا احمد قوام (قوام السلطنه) هر دو از رجال نام آور و از برآوردگان دوران قاجاریه اند. زندگانی میرزا حسن خان مشیرالدوله و برادرش حسین پیرنیا نظر به سلامت اخلاقی زبان زد خاص و عام بود. هر دو برادر از دوران مظفرالدین شاه تا پایان عمر در مشاغل مهم سیاسی خدمت می کردند. میرزا حسن خان پیرنیا سالها از دوران حیات خود را سفیر، وزیر و نخست وزیر بود. و از ایامی که از صحنه سیاست کناره گیری کرد به کار تحقیق و تألیف پرداخت آنچه از آثار قلمی این مرد بزرگ بر جای

مانده ۱ - حقوق بین الملل - داستانهای ایران قدیم - تاریخ ایران باستان در سه مجلد (که) چندین سال بر سر تحقیق و تدوین آن رنج برده) ایران باستانی - تدوین قوانین دادگستری که قسمتی را با آیت‌اله سیدحسن مدرس تدوین و تنظیم نموده است. مشیرالدوله در تدوین قانون اساسی ایران شرکت داشت. همچنین اساسنامه مجلس شورای ملی زیر نظر او تنظیم و تدوین گردید. دادگستری قوانین مدونی نداشت. کارمندان دادگستری وضع ثابتی نداشتند مشیرالدوله در چند دوره‌ای که وزارت دادگستری را عهده‌دار شد وضع قوانین و حقوق پرسنلی آن را سرو سامان داد. مشیرالدوله مردی متبحر بود و دست به هر کاری می‌زد از عهده آن بخوبی بر می‌آمد. نامه‌ها و اسنادی که از زیردست او بیرون می‌آمد همه جوانب را در نظر می‌گرفت مشیرالدوله خط منشیانه زیبایی داشت اصولاً فرزندان میرزا نصراله خان نائینی خوب تحصیل کرده بودند میرزا حسین خان پیرنیا مؤتمن الملک، فرزند دیگر میرزا نصراله خان چند دوره ریاست مجلس شورای ملی را داشت بجز تدوین یک مجلد از قراردادهای ایران با دول خارجه اثر دیگری از او دیده نشد. مجموعه قراردادهائی که مؤتمن الملک گردآوری کرده و ترجمه فارسی آنها را نیز فراهم آورده کار ارزنده و ماندگاری است از برادر کوچک او علی که چندی پیش از میرزا نصراله خان درگذشت آثار مدونی در دست نیست الا اینکه مترجم حضور مظفرالدین شاه بود و ترجمه‌هایی از او باقی مانده است. قوام السلطنه که در دربار مظفرالدین شاه سمت دبیر حضور داشت با میرزا حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله) دوستی و رفت و آمد داشت و برای مشیرالدوله احترام خاصی قائل بود نامه‌ای را که در زیر مطالعه میفرمائید احمد قوام (قوام السلطنه) به میرزا حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله) نوشته است: نامه تاریخ کتابت ندارد از عنوان روی پاکت معلوم می‌شود قوام السلطنه این نامه را هنگامی که میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله عهده‌دار وزارت امور خارجه بوده به او نوشته است در آن ایام که قرارداد ۱۹۰۷ میلادی در جریان بود مشیرالدوله به وزارت امور خارجه منسوب شد و قوام در آن اوقات به عنوان دبیر حضور در دستگاه مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه بخدمت اشتغال داشت. عنوان پاکت نامه بدین قرار است:

«خدمت ذی شوکت جناب مستطاب اجل اکرم ارفع افخم آقای مشیرالدوله
وزیر امور خارجه زیده اجلاله العالی مشرف شود. ۱۸۶۴۲»

متن نامه را بدنبال مطالعه فرمائید.

بسمه‌التعالی - فدایت شوم الطاف و مکارم بندگان حضرت اجل عالی به اندازه‌ای این بنده را خجل و شرمنده کرده است که با هیچ زبان نمی‌توانم از عهده شکر برآیم. شکر نعمتهای تو چندان که نعمتهای تو. عذر خجلت‌های ما چندانکه خجلت‌های ما است. پرشیب جناب مستطاب اجل اکرم امجد آقای علاالدوله زید



مشیرالدوله صدراعظم تاج شاهی را به دست گرفته بر سر شادگذاورد ... اعلیحضرت ... فرمود :
جناب صدراعظم تاج خیلی سنگین است ، سنگینی او مرا صدمه میزند . صدراعظم عرض کرد باید
متحمل این بار سنگین شوید و طاقت آورید . (ص ۶۹)

● (نقل از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان)

جانب تقاب محمد جبرئیل و سایر مدعیان طایفه بطباطبایی

فردی بارک است که در این وقت
 برسد و در حضور غایب هم بود و بطایفه
 ذریعت نظامه جبرئیل را بعد از بارک علی حضرت امام علی در این
 رفته ساینج و در حواله آن در پیش بر آب ناید بلکه در کتب آن محمد بن
 محمد در پیش ابانده طایفه تیره که این ادهم وقت ذریعت برقت و بار
 به پنج بت یکشنبه که در حضور امام فخری شریعت و چهار بار نیز
 حاضر تا بر که در آن شبها در سانه و عیت بعد در روز جمعه
 رخاست در اوله را جانانی آتانی صنیع بود و نخستین بعد از آنکه
 و هم بود و ملازمه حضرت در خدمت را کاتبه سانه و در آن روز
 در قرآن آتانی به دست و در حضور حضرت که در این پنج بار در
 فیض حضرت بارک را اندامم آرتب و به بر سر کسوف و خاتم
 ادله کسوف و شرف خاتم که در آن کسوف آتانی که در
 منقصر بنز کارنامه یا فخری و در آن قدر مدینه
 جانم در آن راهی حاف و بر سر هم محبت در دفع طعن
 و این نیز در سید ک از در آن شریک و بار در حق و در مدینه

در این کسوف و شرف خاتم که در آن کسوف آتانی که در این پنج بار در
 فیض حضرت بارک را اندامم آرتب و به بر سر کسوف و خاتم
 ادله کسوف و شرف خاتم که در آن کسوف آتانی که در آن کسوف
 منقصر بنز کارنامه یا فخری و در آن قدر مدینه
 جانم در آن راهی حاف و بر سر هم محبت در دفع طعن
 و این نیز در سید ک از در آن شریک و بار در حق و در مدینه

دبیت نرم
 رفیقان که ذریت نه در حضور حضرت باقیست
 بر نه حاجیه در شرف نام روز در زود می کند هر قدم در نموده هر چه باقیست
 در دستا نه از دور اطاعت در عالم را کرده بر جمع بیت برداشت نه باقیست
 هر گاه برود بیت دیگر فرج بیا برسدم ذیبا تا بقصر آن نصدق نه

● نامه قوام السلطنه (منشی حضور به صدرالممالک)

اجلاله نیز بنده را سرافراز فرمودند و به اتفاق ایشان به ذکر محامد ملازمان اشرف عالی رطب اللسان بودیم.

برحسب عرض چند روز قبل اینک معادل سیصد عدد سیگارت اسلامیولی که حاضر بود تقدیم داشت. امید است مطبوع خاطر مبارک شده از حقارت آن غمض عین فرمائید. خدمت جناب مستطاب اجل آقای مؤتمن الملک دام اقباله عرض ارادت میکنم زیاده عرض و تصدیعی ندارد ایام شوکت و... 'مستدام' این بود متن نامه قوام السلطنه به میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله. این پیداست که این نامه روشن کننده گوشه‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی کشور نیست. اما در این که نامه‌ای است مربوط به دو تن از رجال نامی کشور جا داشت که به ثبت و انتشار آن اقدام شود.

نامه چهارم را قوام السلطنه به صدرالممالک نوشته عنوان پاکت به قرار زیر است «خدمت ذی شرافت جناب مستطاب اجل اکرم آقای صدرالممالک دام اقباله ملاحظه فرمائید. مهر پاکت «منشی حضور» است.



● میرزا شفیق صدر (صدرالممالک)

متن نامه به آقای صدرالممالک به قرار زیر است:

«قربانت شوم مرقومه و فرمان رسید بطوریکه فرموده‌اید انشالله اطاعت میشود

قربانت شوم. امضاء» *کامپوز علوم اسلامی*

نامه پنجم را قوام السلطنه به آقای صدرالممالک مرقوم داشته عنوان پاکت با مهر «منشی

حضور» به قرار زیر است. نامه و پاکت تاریخ ارسال ندارند.

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب اجل اکرم امجد آقای صدرالممالک دام

اقباله مشرف شود»

متن نامه به قرار زیر است.

«فدایت شوم رقیمه مبارکه زیارت شد در خصوص دو فقره برات متعلق به ورثه

حاجیه خورشید خانم را که نزد ورثه میرزا هادی [است] مرقوم فرموده‌اید که

برات آن را صادر و خدمت عالی انقاد دارد اطاعت امر عالی را کرده رجوع به ثبت

بروات شد به این اسم چیزی منظور نبود. هرگاه جزو ولایات دیگر [به] خرج

می‌آید معلوم فرمائید. تا قبض آن تصدیق شود زیاده عرض نمیکنند»

صدرالممالک یکی از رجال معروف دوران قاجار است. سالها در دوران

ناصرالدین شاه، در رأس دادگستری بود. در دوره مشروطه در سال ۱۳۲۷ هـ ق

متولی باشی آستانه رضوی را داشت شادروان ملک الشعراء بهار در دیوانش چند قصیده خطاب به او دارد هنگامی که سیدحسین اردبیلی و ملک الشعراء بهار روزنامه خراسان را بطور پنهانی در مشهد منتشر می کردند او چند نامه به مدیر این روزنامه نوشت و از او خواست که داخل سیاست نشود فرزندش امجد الملک سالها معاون دادگستری را داشت برای آشنائی بیشتر از خدمات و شرح احوال او رجوع کنید به مهدی بامداد «شرح حال رجال ایران» جلد ۵ - ص ۱۱۸ - ۱۱۹ مهدی بامداد در جلد ۵ کتاب خود ص ۱۱۸ - ۱۱۹ درباره صدرالممالک (صدر دیوان خانه) می نویسد.

«در سال ۱۳۱۹ قمری که میرزا محمدعلی صدرالممالک درگذشت و میرزا شفیع ملقب به صدرالممالک و وزیر دارلشورای کبری شد در این سال عنوانش رئیس کل که در حقیقت به معاونت وزارت دادگستری انتخاب گردید و تا سال ۱۳۲۴ قمری که مشروطیت صورت گرفت هر کس وزیر عدلیه می شد رئیس کل یعنی معاون بود بعد در دوره مشروطه صغیر و کبیر تشکیلات دیگری به وزارت دادگستری داده شد میرزا شفیع صدرالممالک در سال ۱۳۲۶ قمری به تولیت آستانقدس رضوی منصوب شد و تا سال ۱۳۲۹ ق مدت چهار سال در سمت مزبور باقی و برقرار بود بعد مرتضی قلیخان نائینی به جای وی متولیباشی یا نایب التولیه گردید.»

یادآوری

مخارج مجله از راه تکفروشی و اشتراک باید اداره شود و تقاضای مکرر و هر شماره ما از دوستان و مشترکان حکایت از آن دارد که مجله محتاج کمک و توجه دوستان آن است.